

«پرچم ایران»

ناصر ایرانپور

پرچم زمان کوروش



درفش کاویانی



پرچم در دوره شاه طهماسب



پرچم دوره شاه صفی دوم



پرچم دوره قادرشاه



پرچم دوره علی قلی شاه عادل



چند روز پیش در یکی از سایتهای اینترنتی خبری درج شده بود مبنی بر اینکه در نروژ قرار بر این بوده به ابتکار سازمان «عفو بین الملل» تظاهراتی با هدف اعتراض به اختناق در ایران و اعلام همبستگی با دانشجویان در بند برگزار شود که برای شرکت در آن اعضا و هواداران چند طیف مختلف سیاسی، از جمله احزاب کردستان ایران و «حزب مشروطه ایران» فراخوان داده بودند. گویا برای اینکه این اجتماع منتسب به یک گروه خاص سیاسی نگردد، قرار بر این بوده که از آوردن شعار و پلاکارد و پرچمی که نشان دهنده جهتگیری معینی باشد، خودداری گردد. اما برخلاف قرار و مدارها طرفداران «حزب مشروطه ایران» پرچم به قول خودشان «سه رنگ ایران» (متعلق به دوران پهلویها) را آورده‌اند و حتی پس از فراخوان و اعتراض کردهای شرکت کننده در تظاهرات از جمع کردن آن خودداری ورزیده‌اند و همین مسأله باعث گردیده که بخش بزرگی از هواخواهان احزاب کردستانی اجتماع را ترک کنند. سطور ذیل یادداشتی کوتاه است بر این موضوع.

به اعتقاد من، این امر هر چند خود یک کشمکش روبنایی است، اما حکایت از یک معضل زیربنایی در جامعه ما می کند. پرچم تنها یک پارچه بی روح نیست، که نماد است، سمبل است، یکی از مظاهر مهم هویت است، در جایی مظهر «حاکمیت ملی» است و در جایی دیگر نمایانگر «مقاومت ملی»، در جایی شور و شوق می آفریند، در جایی دیگر تنفر و انزجار. بی شک «پرچم ایران» نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در ارتباط با «پرچم ایران» برخی سهواً چنین می پندارند که این پرچم از زمان پیدایش امپراطوری ایران، یا بقول آنان «ملت ایران»، بیرق ایران و مظهر حاکمیت «ملی» آن بوده است و تقدس ازلی دارد. در حالی که چنین نیست و نباید هم باشد. پرچم اصولاً از علائم قراردادی و توافقی است و می توان آن را این چنین یا آن چنان ترسیم و تعیین و تفسیر نمود و حتی تغییر داد. این امر تاکنون - همانطور که تصاویر روبرو نشان می دهند - به ویژه در مورد «پرچم ایران» صادق بوده است.

در اینجا «پرچم ایران» به این سبب در گیومه گذاشته شده است که ما نه با «پرچم ایران» که با پرچمهای ایران سروکار داریم: پرچم رسمی و بین المللی ایران همانی است که در حال حاضر پرچم جمهوری اسلامی ایران می باشد. سلطنت طلبان از پرچمهای مختلفی، اما اکثراً با شیر و خورشید و شمشیر و بخشاً با تاج روی آن بهره می گیرند. «پرچم ایران»، آنکه مجاهدین برمی افرازد، بدون نقش «الله»، اما با شیرخورشید و فاقد تاج است. سازمانهای چپ، از پرچم ایران بدون نشانی بر آن بهره می گیرند. بخشی از سازمانهای سیاسی ایرانی متعلق به ملیتهای آذری، کرد، ترکمن، عرب و بلوچ اساساً هیچکدام از پرچمهای نامبرده را بعنوان پرچم خود و ایران نمی پذیرند.

به هر حال، وجه مشترک پرچمهایی که به نام «پرچم ایران» شناخته می شوند، تنها سه رنگ سبز و سفید و قرمز به ترتیب در بالا و وسط و پایین است و بس. همه علائم دیگر بر روی پرچم مورد اختلاف می باشند و حکایت از جهتگیریها و نظامهای سیاسی و حتی ایدئولوژیهای متفاوت و گاهاً متضاد دارند. در ارتباط با همین سه رنگ هم باید گفته شود که آنها نیز نماد پدیده‌ها و ارزشهای چنان قابل پذیرشی نیستند. چرا؟

امروزه دولت باید به جهت ارزشهای فلسفی و دینی بی طرف باشد. در حالیکه تعبیر و تفاسیر و انگیزه‌هایی که برای انتخاب این رنگها مینا قرار گرفته‌اند، خلاف آن را به ما اثبات می کنند. پرچم دوره پیش از به قدرت رسیدن روحانیون ایران نماد حکومت سلطنتی وقت بود که بر طبق منابع و گفته‌های سران درجه اول حکومت شاه، از جمله خود رضا پهلوی، بر اساس «شعبه، زبان فارسی و سلطنت» و شعار «خدا، شاه، میهن» بنا شده بود. رنگ سبز آن به جهت اینکه مورد علاقه پیامبر اسلام بوده، برگزیده شده است. سفید آن را به دین سابق ایرانیان و اقلیت زرتشتی کنونی آن منتسب نمودند و رنگ قرمز آن را به مثابه رنگ خون و تجلیل از مقام شهید انتخاب نمودند. همه اینها در تعارض با حکومت سکولار و لائیک قرار دارند که قاطبهٔ اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران طالب آن هستند. در این خصوص به ماجرای ذیل که در منابع مختلف درج گردیده است، توجه کنید:

پس از «پیروزی» انقلاب مشروطه (دوره حکومت مظفرالدین شاه) و تشکیل مجلس، نمایندگان در مجلس‌های اول و دوم به کار تدوین قانون اساسی و متمم آن می پردازند و در اصل پنجم متمم قانون اساسی مقرر می نمایند که «الوان رسمی بیرق ایران، سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است...» نمایندگان در توجیه رنگهای به کار رفته در پرچم به استدلال دینی متوسل شدند، بدین ترتیب که می گفتند رنگ سبز، رنگ دلخواه پیامبر اسلام و رنگ این دین است، بنابراین پیشنهاد می شود رنگ سبز در بالای پرچم ملی ایران قرار گیرد. در مورد رنگ سفید نیز به این حقیقت تاریخی استناد شد که رنگ سفید رنگ مورد علاقه زرتشتیان است، اقلیت دینی که هزاران سال در ایران به صلح و صفا زندگی کرده‌اند و لازم است در زیر رنگ سبز قرار گیرد. در مورد رنگ سرخ نیز با اشاره به ارزش خون شهید در اسلام، بویژه امام حسین و جان باختگان انقلاب مشروطیت به ضرورت پاسداشت خون شهیدان اشاره گردید و موضوع نشان شیر و خورشید را این گونه توجیه کردند که انقلاب مشروطیت در مرداد (سال ۱۲۸۵ هجری شمسی ۱۹۰۶ میلادی) به پیروزی رسید، یعنی در برج اسد (شیر). از سوی دیگر چون اکثر ایرانیان مسلمان شیعه و پیرو علی هستند و اسدالله از القاب حضرت علی است، بنابراین شیر، هم نشانهٔ مرداد است و هم نشانهٔ امام اول شیعیان. در مورد خورشید نیز چون انقلاب مشروطه در میانهٔ ماه مرداد به پیروزی رسید و خورشید در این ایام در اوج نیرومندی و گرمای خود است پیشنهاد می کنیم خورشید را نیز بر پشت شیر سوار کنیم ... و البته وقتی شیر را نشانهٔ پیشوای امام اول شیعیان بدانیم. لازم است شمشیر ذوالفقار را نیز بدستش بدهیم. بدین ترتیب برای اولین بار پرچم «ملی» ایران به طور رسمی در قانون اساسی به عنوان نماد استقلال و حاکمیت «ملی» مطرح شد... در پرچم بعد از انقلاب ۵۷ ایران طرح ویژه‌ای از کلمه «الله» با رنگ قرمز جانشین شیر و خورشید شد و شعار «الله اکبر» به رنگ سفید بیست و دوبار در حاشیه پایین نوار سبز و حاشیه بالای نوار قرمز پرچم تکرار شد. (برای نمونه بنگرید به <http://www.awti.org/history/history-iran-flag%5Bparisi%5D.htm>)

چنین پرچمی نمی‌تواند مورد پذیرش انسان آگاه، روشنفکر، چپ و دمکرات، انسان غیرناسیونالیست و غیرشونیست و غیرمذهبی، انسان آزاده و برابری‌طلب باشد، چرا که هیچکدام از مبانی ارزشی تعیین‌کننده آن نمی‌توانند مورد پذیرش باشند، مبانی‌ای که بر نفی تنوع ملی و قومی و آئینی و اعتقادی نهفته در ایران و بر پایه دین و آنهم تنها مذهبی از آن استوارند. بنابراین پرچمهای رسمی تاکنونی ایران نه آنطور که ادعا می‌شود، «مظهر حاکمیت و اراده ملی» ایران، که نماد تشیع و سلطنت پهلوی و بعدها حکومت اسلامی بوده است و بس، نظامهایی که بر اساس تبعیض بر دگراندیشان (پیش و پس از انقلاب ۵۷)، بر تبعیض بر زنان (به ویژه پس از انقلاب ۵۷)، بر ستم اجتماعی و طبقاتی (در هر دو دوره)، بر ستم و سرکوب قومی و ملی و حتی مذهبی بر مردم غیرفارس ایران (در هر دو دوره) و بر جنگ و خون و خشونت (پس از انقلاب) بنا شده است. اتفاقی نیست که پرچم ایران در اذهان بخش قابل توجهی از مردم ایران تداعی‌کننده فاشیسم و شونیسم سنخ ایرانی است، مظهر نابرابری است.

«پرچم ایران» به ویژه در گُردستان یادآور ظلم و جور است، یادآور جنگ و کشتار است. در زیر این پرچم بوده که تلاش شده، مردم از خود بیگانه شوند، زبان خود را به فراموشی بسپارند، تن به آسیمیلیاسیون بدهند. در زیر این پرچم بود که جمهوری نوپا و دمکراتیک کردستان و آذربایجان مورد یورش وحشیانه قرار گرفتند، تعدادی از بهترین فرزندان کردستان و آذربایجان به دار آویخته شدند. تاکنون زیر این پرچم بوده که چندین بار شهرهای بیدفاع کردستان مورد حمله ناجوانمردانه فانتومها و تانکها و سربازان و پاسداران «حاکمیت ملی» قرار گرفته‌اند. زیر همین پرچم بوده که فرزندان گُرد را در حیات مدارس به صف می‌کردند و مجبور می‌ساختند «سرود شاهنشاهی» را به زبان فارسی بخوانند، سپس آنانی را به خانه‌هایشان می‌فرستادند که شلوار گُردی به تن داشتند. زیر همین پرچم بوده که میلیونها انسان را از تحصیل به زبان مادری محروم و دهها و صدها محرومیت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی دیگر را به آنها تحمیل نموده‌اند. به همین دلیل به این پرچم در کردستان ایران چون نماد استعمار داخلی نگریسته می‌شود و نه سمبل حاکمیت «ملی» و مردمی. بنابراین به ناحق نیست که این پرچم حساسیتهایی را در بین مردم کردستان و به ویژه روشنفکران آن ایجاد می‌کند؛ به ناحق نیست که روشنفکران و احزاب گُردی حاضر نباشند، زیر چتر آن گرد آیند و با آن عملاً به نفی و انکار خود پردازند.

خلاصه کلام: این پرچم نه کل ایران، بلکه تنها بخشش و مکتب مشخصی را نمایندگی می‌کند، مکتبی که بر پایه استعمار و استعمار قومی و مذهبی و حفظ زورمندان به اصطلاح «تمامیت ارضی ایران» در برابر حق تعیین سرنوشت خلقهای ایران و اراده و حتی موجودیت ملیتهای ساکن ایران استوار بوده است. بنابراین، این پرچم بخشهای بسیار بزرگی از مردم به لحاظ بافت اتنیکی متنوع ایران را نمایندگی نمی‌کند. لذا اهمیت دارد که در ایران آزاد و آباد و دمکراتیک و سکولار آینده در تعیین پرچم مشترک همه مردم ایران در یک رفاندوم و یا بصورت توافقی در مجلس نمایندگان ملیتهای مختلف مشارکت داده شوند. این پرچم نو باید تنوع و تکثر اتنیکی ایران را منعکس نماید و به تعبیری دیگر همه ایرانیان - صرف نظر از تعلق ملی، قومی، دینی، مذهبی، جنسی، طبقاتی - خود را در آن باز یابند. در چنین حالتی یقین دارم که این پرچم شکل و شمایل و علائم متفاوتی - با آنچه که در پرچم حکومت سلطنتی و جمهوری اسلامی می‌دیدیم و می‌بینیم - خواهد داشت.

در ارتباط با خبری که در ابتدای این نوشته نقل شد، نیز باید حق را به کسانی داد که این اجتماع را ترک نموده‌اند، چرا که عملی را که اعضای «حزب مشروطه ایران» انجام داده‌اند را دهن کجی و بی‌حرمتی می‌دانم. آنها به نیکی می‌دانند که بیرق سه رنگشان خود اعلامیه‌ای سیاسی است که نه بر علیه این یا آن دولت خارجی، بلکه هر بار از سوی آنها بر علیه موجودیت ملیتها، یا به قول خودشان «اقوام» ایران صادر می‌شود. چنین اعمالی تنها به انزجار افرادی می‌افزاید که به حق این پرچم را نه پرچم خود، بلکه پرچم حکومت جور و ستم و استعماری قبل و وقت ایران می‌دانند. آیا این به اصطلاح «مشروطه‌خواه» حاضرند زیر بیرق جمهوری اسلامی بروند؟ یقیناً خیر. آیا یک حزب‌اللهی طرفدار حکومت اسلامی حاضر است زیر پرچم به زیرافزادگی حکومت سلطنتی برود؟ پاسخ باز نمی‌تواند مثبت باشد. خوب، بر چه اساسی باید گرد و آذری و ترکمن و بلوچ و عرب ایرانی زیر یکی از این دو پرچم حکومت پهلویها و اسلامگراها، با وصفی که از آنها رفت، برود؟

البته اینکه جریانی سیاسی خود برای ایران پرچمی را برگزیند و یا پیشنهاد کند، یک حق مسلم است. سخن بر سر این نیست. بحث تنها بر سر این است که جایز نیست این پرچم به دیگران نیز تحمیل شود. لذا در چنین شرایطی اولاً قواعد و رویکرد دمکراتیک ایجاد می‌کنند که هر کسی هر پرچمی را که بخواهد بتواند یدک کشد، بدون آنکه کسی یا جریانی را با ترفند و تحکم ملتزم و متعهد به آن سازد. و ثانیاً در صورت کار مشترک باید پلاکاردها، شعارها و پرچم یا پرچمهایی که مورد قبول همه شرکت‌کنندگان باشند، علم شوند و نه صرفاً آنانی که متعلق به یک طرف یا گروه خاص هستند و تازه مورد مناقشه سخت نیز می‌باشند که البته «پرچم ایران» مورد نظر «مشروطه‌خواهان» نیز از آن دسته است.

بر احزاب گُردی هم است که هر جا حضور می‌یابند، **پرچم کردستان** که نشانه هویت و مقاومت رهاییبخش ملی گُرد است را برافراشته کنند و پذیرش هر نوع پرچم مربوط به کل ایران را منوط و مشروط به پذیرش پرچم کردستان نمایند. پر واضح است که علم کردن این پرچم نه نشانه استقلال و جدایی از ایران است و نه نشانه نفی پرچمی که فردا کل ایران دمکراتیک را نمایندگی می‌کند، کما اینکه کنشوری دمکراتیک و فدرال یافت نمی‌شود که ایالتها و استانها و کانتونها و مناطق مختلف آن از پرچم مستقل خود در کنار پرچم سراسری برخوردار نباشند. پرچم کردستان سمبل و نماد ایستادگی ملتی است که حق موجودیت را از آن گرفته‌اند و قیام نموده است تا آن را بازستاند.

۲۹ دی ۱۳۸۶

Peyam@iran-federal.com

پرچم دوره آغا محمدخان قاجار



پرچم دوره محمد شاه قاجار



پرچم دوره ناصرالدین شاه



پرچم دوره حکومت پهلوی‌ها



پرچم دوره حکومت اسلامی‌ها

